

چارسوک

سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع)
را تسلیت می‌گوییم

توفان تورمی هرمز در آمریکا



یک دور مذاکره بی‌فایده با آمریکای زیاده‌خواه

صبح یکشنبه مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام‌آباد پاکستان به پایان رسید و زیاده‌خواهی آمریکای مانع چارچوب مشترک و توافق شد. ایران بارها تلاش کرد طرف آمریکایی را به واقع بینی دعوت کند، اما زیاده‌خواهی آنها مانع دستیابی به چارچوب مشترک شد.

جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا ۴۰ روز تنش نظامی را با مبادا ۱۹ فروردین ماه در حالی به پایان رساندند که دولت پاکستان در حال تدارک آغاز مذاکراتی برای رسیدن به صلحی پایدار بود. توقف جنگ از سوی ایران در حالی مورد پذیرش قرار گرفت که تهران تاکید داشت این توقف باید راهی برای رسیدن به یک توقف دائم جنگ علیه ایران و تامین حقوق کشور باشد و از این رو حضور در مذاکرات پاکستان را پذیرفت.

هیات ایرانی شامگاه جمعه ۲۱ فروردین تهران را به مقصد پاکستان ترک کرد که ریاست این هیات بر عهده «محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس بود و «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه، «کاظم غریب آبادی» معاون حقوقی و بین‌المللی وزیر امور خارجه، «اسماعیل بنفانی» سخنگوی وزارت امور خارجه، «علی اکبر احمدیان» عضو شورای دفاع، «علی باقری‌کنی» عضو شورای روابط خارجی، «ناصر همتی» رئیس کل بانک مرکزی و شمار دیگری از مقامات و نمایندگان مجلس در پرواز میناب ۱۶۸ حضور داشتند. گفت‌وگوها با نخست‌وزیر پاکستان از ساعت ۱۳ روز شنبه آغاز شد. ساعاتی بعد گفت‌وگو با طرف آمریکایی شروع شد. ابتدا هیاتهای اصلی و سپس تیم‌های کارشناسی گفت‌وگو کردند. این گفت‌وگوها سرجمع بیش از ۲۱ ساعت طول کشید.

در طول مذاکرات، ایران بارها ابتکارات جدیدی ارائه و تلاش کرد طرف آمریکایی را به واقع بینی دعوت کند اما زیاده‌خواهی آمریکا در هر دور مانع دستیابی به چارچوب مشترک شد.

پس از تلاش‌ها و میانجیگری پاکستان برای برگزاری یک دور دیگر از گفت‌وگو و تبادل متن که از سحرگاه ۲۳ فروردین انجام شد، مذاکرات به دلیل حفظ همان روحیه آمریکایی بدون نتیجه پایان یافت. هنوز برنامه‌ای برای زمان و مکان و دور بعدی مذاکرات اعلام نشده است.

در مقابل ابتکارات ما، آمریکا نتوانست اعتماد ایران را جلب کند

رئیس مجلس در پیامی در فضای مجازی نوشت: آمریکا منطق و اصول ما را درک کرد و حالا باید تصمیم بگیرد که آیا می‌تواند اعتماد ما را جلب کند یا نه؟

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در پستی در شبکه ایکس نوشت: پیش از مذاکرات تاکید کردم که ما حسن نیت و اراده لازم را داریم ولی به دلیل تجربیات دو جنگ قبلی، اعتمادی به طرف مقابل نداریم.

همکاران من در هیات ایرانی میناب ۱۶۸ ابتکارات رو به جلویی مطرح کردند ولی طرف مقابل در نهایت نتوانست در این دور از مذاکرات اعتماد هیات ایرانی را جلب کند.

آمریکا منطق و اصول ما را درک کرد و حالا وقت آن است تا تصمیم بگیرد که آیا می‌تواند اعتماد ما را جلب کند یا نه؟

ما هرآینه، دیپلماسی اقتدار را روش دیگری در کنار مبارزه نظامی برای احقاق حقوق ملت ایران می‌دانیم و لحظه‌ای از تلاش برای تثبیت دستاوردهای چهل روز دفاع ملی ایرانیان دست نخواهیم کشید.

قدردان تلاش‌های کشور دوست و برادر پاکستان برای تسهیل فرآیند این مذاکرات هستیم و به ملت پاکستان درود می‌فرستم.



سخنگوی وزارت امور خارجه، مذاکرات اسلام‌آباد (حدود ۲۴ ساعت ممتد) را طولانی‌ترین مذاکره بین ایران و آمریکا طی یک سال اخیر توصیف کرد و گفت: در مذاکرات اسلام‌آباد موضوعات و شرایط بسیار پیچیده‌ای از جمله تنگه هرمز و منطقه اضافه شد، طبیعی بود که نمی‌شود انتظار داشت این موضوعات در حدود ۲۴ ساعت مذاکره حل شود.

در این دوره از مذاکرات دو طرف در برخی زمینه‌ها به توافقات دست یافتند و در برخی زمینه‌ها از جمله تنگه هرمز و مسائل منطقه‌ای تفاوت و فاصله دیدگاه وجود داشت.

بنفانی با بیان اینکه این مذاکرات بعد از ۴۰ روز جنگ و چند روز آتش‌بس نه در فضای بی‌اعتمادی بلکه در فضای بدگمانی برگزار شد، گفت: آمریکا با مشارکت رژیم اسرائیل طی ۹ ماه دو بار مرتکب تجاوز شده است. وی در پاسخ به این که آیا دیپلماسی به پایان رسید، گفت: دیپلماسی هرگز به پایان نمی‌رسد دستگاه دیپلماسی ابزاری برای تامین، صیانت و حفظ منافع ملی است و راینی‌ها بین ایران، پاکستان و کشورها دوست و همسایه ادامه خواهد داشت.

تحولات روزهای آینده و تصمیمات رئیس‌جمهور آمریکا درباره پایبندی به دیپلماسی و آتش‌بس نشان خواهد داد که آمریکا در مسیر پایان دادن به این نزاع نظامی انتخابی، مصالح خود را در نظر خواهد گرفت یا آنچه مورد تایید و راستای منافع «بنیامین نتانیاهو» است. برهه‌ای تاریخی هم برای ونس، معاون جوان ترامپ در پیش است تا مشخص کند چه میزان به تجربه‌های اخذ شده از جنگ بها خواهد داد.

ایران یک پیکر است با ۹۰ میلیون جان، از تمام ملت قهرمان ایران که با توصیه مقام معظم رهبری و با حضور در خیابان پشتیبان فرزندان خود بودند و دعای خیر را بدرقه راه ما کردند سیاست‌گذارم و به همکارانم در این مذاکرات فشرده ۲۱ ساعته خداقوت می‌گویم. زنده و پ‌آینده باد ایران عزیز!

شما پاسدار حقوق میدان بودید

حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در پیامی در فضای مجازی در مورد مذاکرات نوشت: به هیات ایرانی در اسلام‌آباد که به سرپرستی برادرم آقای قالیباف، بیش از ۲۰ ساعت به صورت ممتد و پرفشار مذاکره کردند، خداقوت می‌گویم. شما پاسدار حقوق میدان بودید. اجرکم عندالله

سخنگوی وزارت خارجه هم پس از پایان مذاکرات و در گزارشی درباره آن نوشت: در ۲۴ ساعت گذشته در مورد ابعاد مختلف موضوعات اصلی مذاکره شامل تنگه هرمز، موضوع هسته‌ای، غرامت جنگ، رفع تحریم‌ها و خاتمه کامل جنگ علیه ایران و در منطقه گفت‌وگو شد.

موفقیت این فرآیند دیپلماتیک منوط به جدیت و حسن نیت طرف مقابل و خودداری از زیاده‌خواهی و خواسته‌های غیرقانونی، و پذیرش حقوق حقه و منافع مشروع ایران است.



جنگ با ایران کسری بودجه آمریکا را افزایش داد

با آغاز تجاوز نظامی آمریکا به ایران، هزینه‌های نظامی و کسری بودجه این کشور افزایش پیدا کرد.

به گزارش رویترز؛ وزارت خزانه‌داری آمریکا روز جمعه اعلام کرد کسری بودجه فدرال این کشور در ماه مارس نسبت به سال قبل، ۴ میلیارد دلار (معادل ۲ درصد) افزایش یافت و به ۱۶۴ میلیارد دلار رسید. دلیل این افزایش، بازپرداخت‌های مالیاتی به دلیل معافیت‌های جدید مالیاتی برای افراد و شرکت‌ها و همچنین افزایش پرداخت‌های حمایتی به کشاورزان بود.

جنگ و افزایش هزینه‌ها

داده‌های بودجه ماهانه افزایش عمده‌ای را در هزینه‌های مربوط به جنگ ایران نشان نداد. هزینه‌های نظامی و برنامه‌های دفاعی در نخستین ماه درگیری، نسبت به مارس ۲۰۲۵، تنها ۲ میلیارد دلار (۳ درصد) افزایش یافت و به ۶۵ میلیارد دلار رسید؛ اما مقایسات دولت ترامپ تخمین زده‌اند که این درگیری تنها در شش روز اول خود، ۱۱،۳ میلیارد دلار هزینه داشته است. چاک شومر، رهبر دموکرات‌های سنا نیز روز چهارشنبه گفت که هزینه جنگ ۴۴ میلیارد دلار است. یک مقام وزارت خزانه‌داری به خبرنگاران گفت که بسیاری از هزینه‌های مربوط به جنگ، مانند جایگزینی مهمات مصرف شده، در ماه‌های بعدی اعمال خواهد شد.

افزایش پرداخت‌های مالیاتی

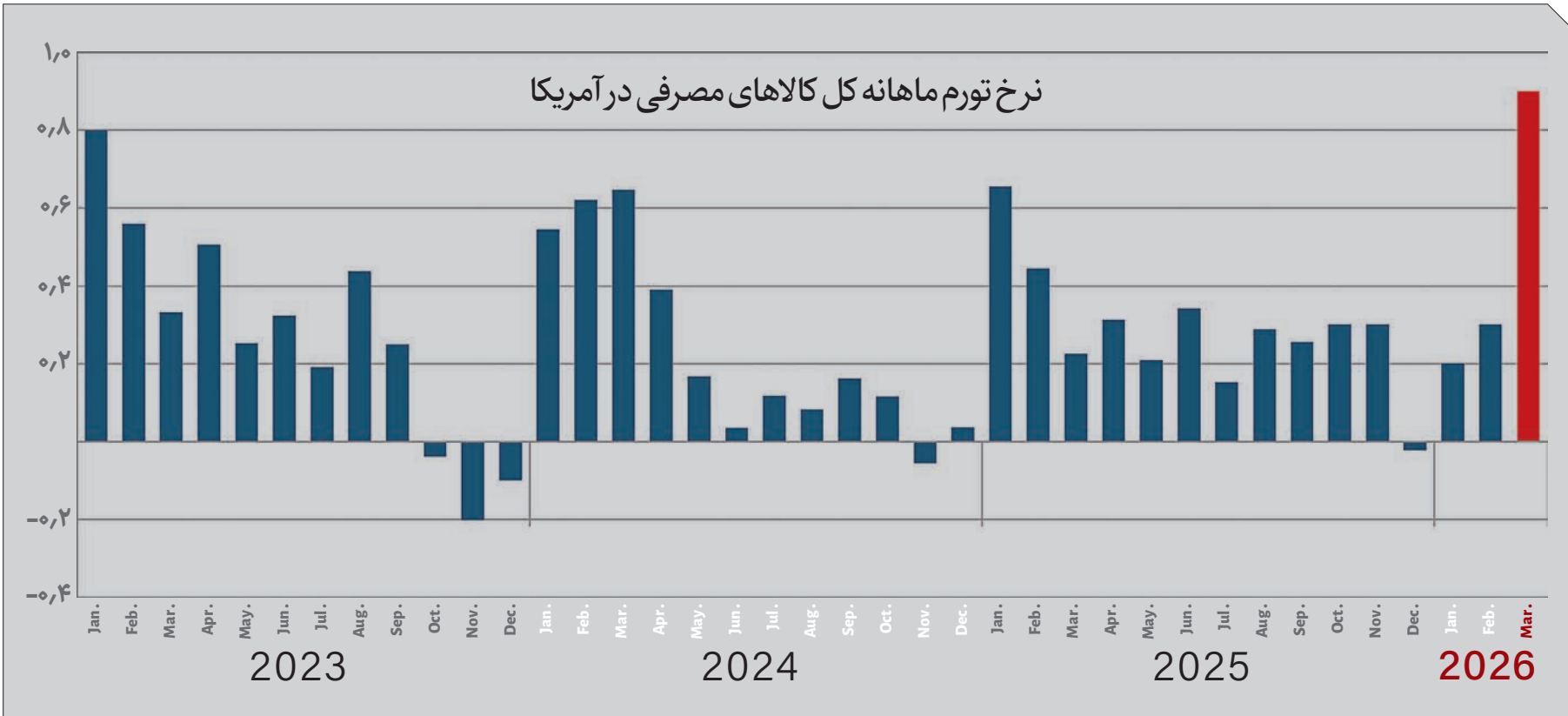
بازپرداخت مالیاتی افراد در ماه مارس با نزدیک شدن به ضرب‌الاجل ۱۵ آوریل، نسبت به سال قبل ۱۵ میلیارد دلار (۲۲ درصد) افزایش یافت و به ۸۵ میلیارد دلار رسید. بازپرداخت مالیات شرکت‌ها نیز در نتیجه مشوق‌های مالیاتی جدید در قانون مالیاتی سال گذشته که با حمایت جمهوری خواهان تصویب شد، ۵ میلیارد دلار (۲۱۵ درصد) افزایش یافت و به ۸ میلیارد دلار رسید. این مشوق‌ها شامل کسر مالیاتی جدید برای اضافه‌کاری، انعام، سود وام خودروهایی داخلی و پرداخت‌های بسیار بالاتر مالیات ایالتی و محلی و همچنین هزینه‌های فوری سرمایه‌ای کسب و کارها و هزینه‌های تحقیق و توسعه است؛ اما اقتصاددانان می‌گویند برای بسیاری از مالیات‌دهندگان، این بازپرداخت‌های بزرگتر توسط هزینه‌های سوخت که به شدت در اثر جنگ ایران افزایش یافته، از بین خواهد رفت.

کاهش کسری‌های ماهانه

وزارت خزانه‌داری گزارش داد برای نیمه اول سال مالی ۲۰۲۶ که از اول اکتبر آغاز شد، کسری بودجه نسبت به مدت مشابه سال مالی ۲۰۲۵، معادل ۱۳۹ میلیارد دلار (۱۱ درصد) کاهش یافت و به ۱،۱۶۹ میلیارد دلار رسید، زیرا رشد درآمد‌ها بسیار بیشتر از رشد هزینه‌ها بود. یکی از دلایل اصلی این کاهش، درآمد حاصل از تعرفه‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بوده است که درآمد‌های کمرکی سال جاری را به ۱۶۶،۵ میلیارد دلار رساند، تقریباً چهار برابر ۴۳،۶ میلیارد دلاری که در نیمه اول سال مالی ۲۰۲۵ جمع‌آوری شد.

کاهش درآمد‌های کمرکی

درآمد‌های حقوق کمرکی در ماه مارس کاهش یافت، پس از آنکه دیوان عالی آمریکا در ۲۰ فوریه، گسترده‌ترین تعرفه‌های جهانی اعمال شده توسط دونالد ترامپ را که بر اساس یک قانون اضطرار وضع شده بود، باطل کرد. درآمد کمرکی در مارس به ۲۲،۲ میلیارد دلار رسید که نسبت به ۲۶،۶ میلیارد دلار در فوریه بود و مجموع ماهانه حدود ۲۰ میلیارد دلار در اواخر سال گذشته کاهش داشت، اما نسبت به ۸،۲ میلیارد دلار در مارس ۲۰۲۵ افزایش نشان می‌داد. با این حال، ممکن است کاهش بیشتری در پیش باشد، زیرا حقوق کمرکی اغلب با یک ماه تأخیر پرداخت می‌شود. یک مقام وزارت خزانه‌داری گفت این بدان معناست که بیشتر درآمد‌های جمع‌آوری شده در مارس، منعکس‌کننده واردات فوریه (قبل از تعلق ۲۴ فوریه عوارض ۵۰ تا ۱۰ درصدی طبق قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی) است. در همان روز، دولت ترامپ عوارض موقت ۱۰ درصدی بر تمام واردات اعمال کرد و هنوز تعرفه‌های مختلفی را طبق قوانین دیگر حفظ کرده است.



توفان تورمی هرگز در آمریکا

- تورم ماهانه بنزین به بالاترین رقم ۶ دهه اخیر در آمریکا رسید
- بستن تنگه هرمز، تورم ماهانه کل کالاهای مصرفی در آمریکا را در ماه گذشته ۳ برابر کرد
- شدیدترین افزایش نرخ تورم انرژی در آمریکا در ۲ دهه اخیر رقم خورد

گزارش

اداره آمار آمریکا اعلام کرد در ماه مارس ۲۰۲۶ میلادی معادل ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ یعنی دقیقاً از ابتدای شروع جنگ تجاری علیه ایران، نرخ تورم ماهانه این کشور ۳ برابر شده است. به گفته کارشناسان، این افزایش عجیب تورم در آمریکا کاملاً بر اثر افزایش نرخ حامل‌های نفتی و بنزین به علت اقدام ایران در مسدود کردن تنگه هرمز و صعود قیمت نفت در بازارهای جهانی بوده است.

در گزارش مرکز آمار آمریکا آمده است: شاخص قیمت مصرف‌کننده برای همه مصرف‌کنندگان شهری (CPI-U) پس از افزایش ۰،۳ درصدی در ماه فوریه، در ماه مارس، بر اساس تعدیل فصلی ۰،۹ درصد افزایش یافت که بالاترین تورم ۴۵ ماه اخیر است.

شاخص انرژی در ماه مارس ۱۰،۹ درصد افزایش یافت که در صدر آن افزایش ۲۱،۲ درصدی شاخص بنزین قرار داشت که تقریباً سه چهارم افزایش ماهانه همه اقلام را تشکیل می‌داد.

افزایش ۱۰،۹ درصدی شاخص انرژی در ماه مارس بزرگترین افزایش شاخص این شاخص از سپتامبر ۲۰۰۵ تاکنون (۲ دهه اخیر) است.

شاخص تورم ماهانه بنزین در طول ماه مارس ۲۱،۲ درصد با احتساب تعدیل فصلی و ۲۵ درصد بدون احتساب تعدیل فصلی افزایش یافت که بزرگترین افزایش ماهانه از زمان انتشار سری زمانی آمار تورم در سال ۱۹۶۷ تاکنون است.

وزیر حمل‌ونقل دولت بایدن رئیس‌جمهور پیشین آمریکا گفت: به علت جنگ، تورم نسبت به ماه پیش در آمریکا سه برابر شده است.

تاثیرات جنگ و تورم در اقتصاد آمریکا را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: تورم و جنگ. تورم ماهانه کل کالاهای مصرفی در آمریکا در ماه مارس ۲۰۲۶ میلادی معادل ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۰ فروردین ۱۴۰۵ یعنی دقیقاً از ابتدای شروع جنگ تجاری علیه ایران، نرخ تورم ماهانه این کشور ۳ برابر شده است. به گفته کارشناسان، این افزایش عجیب تورم در آمریکا کاملاً بر اثر افزایش نرخ حامل‌های نفتی و بنزین به علت اقدام ایران در مسدود کردن تنگه هرمز و صعود قیمت نفت در بازارهای جهانی بوده است.

وزیر حمل‌ونقل دولت بایدن با هشدار درباره پیامدهای اقتصادی جنگ آمریکا علیه ایران گفت: وام مسکن افزایش یافته، چون نرخ‌های بهره بالا رفته، قیمت بنزین به شدت افزایش یافته و قیمت مواد غذایی در تابستان امسال گران‌تر خواهد بود به علت اینکه قیمت کود در پی جنگ علیه ایران افزایش یافته است. «پیتربوتیچ» با اشاره به درخواست افزایش بودجه نظامی دولت ترامپ از کنگره، افزود: آنها درخواست نیم تریلیون دلار اضافه برای بودجه نظامی دارند که این یعنی هزاران دلار مالی برای هر خانوار آمریکایی و این نشان می‌دهد که مردم مستقیماً در حال پرداخت هزینه این جنگ هستند.

شبکه سی.ان.ان هم گزارش داد: جنگ ایران همچنان در حال گران کردن زندگی آمریکایی‌ها است. به گزارش این شبکه قیمت بنزین از ۴ دلار در هر گالون عبور کرده و تورم نیز رو به افزایش است، به طوری که پیش‌بینی می‌شود شاخص قیمت مصرف‌کننده به‌طور قابل توجهی رشد کند. اثر این موارد به زنجیره تأمین، حمل‌ونقل، مواد اولیه و کالاهای مصرفی نیز سرایت کرده است؛ از افزایش هزینه حمل‌ونقل و بلیت هواپیما گرفته تا بالا رفتن قیمت مواد غذایی و کالاهای صنعتی.

تورم در آمریکا رکورد زد

کارشناسان اقتصادی می‌گویند جهش تورم تآ ناشی از افزایش شدید هزینه‌های انرژی است که در پی تحولات و تنش‌ها در منطقه خاورمیانه و جنگ با ایران رخ داده است. تورم ماهانه نیز با ثبت بالاترین رقم طی ۴۵ ماه گذشته، فشار اقتصادی بر خانواده‌ها و بازارهای داخلی آمریکا را افزایش داده است.

اقتصاددانان هشدار می‌دهند که ادامه روند افزایش تورم می‌تواند موجب بالا رفتن نرخ بهره و کاهش رشد

اقتصادی آمریکا شود.

در گزارش سی.ان.ان آمده است: مصرف‌کنندگان از اقتصاد ناراضی هستند. ناامیدی از قیمت‌های بالاتر، احساسات مصرف‌کننده را به پایین‌ترین حد تاریخی، پایین‌تر از هر چیزی که در دوران رکود بزرگ یا همه‌گیری کووید ثبت شده بود، رسانده است.

اثرات موجی جنگ ایران که از اواخر فوریه آغاز شد، به سرعت پیشرفت در تورم را به عقب راند و در عین حال نگرانی‌های دیرینه در مورد توانایی خرید را تشدید کرد.

افزایش دستمزد آمریکایی‌ها که تقریباً به مدت سه سال تقریباً یک درصد از تورم پیشی گرفته بود، به سرعت در ماه مارس از بین رفت. وقتی تورم تعدیل شد، میانگین درآمد ساعتی در ماه مارس با نرخ سالانه ۰،۳ درصد افزایش یافت که نسبت به ۱،۳ درصد در ماه فوریه کاهش یافته است.

هدر لاتگ، اقتصاددان آمریکایی، در مصاحبه‌ای با سی‌ان‌ان گفت: «اوضاع قبل از هرگونه تسکینی بسیار بدتر خواهد شد. حتی اگر جنگ علیه ایران ظرف دو هفته پایان یابد و به طرز جادویی توافقی حاصل شود، تورم برای ماه‌های آینده همچنان افزایش خواهد یافت.»

لاتگ افزود: «ما هنوز شاهد بهبود اوضاع در مورد غذا، بلیت هواپیما-که به وضوح قرار است افزایش یابد- و هزینه‌های

حمل‌ونقل نبوده‌ایم. فقط مسئله زمان است.» آتش‌بس حاصل شده، برخی از نگرانی‌ها را مبنی بر اینکه درگیری می‌تواند به شدت عمیق‌تر شود یا حتی زودتر از موعد به نتیجه برسد، از بین برد. با این حال، عدم قطعیت همچنان ادامه دارد، همانطور که اثرات تورمی بالقوه نیز وجود دارد.

انتظار می‌رود تورم در ماه‌های آینده با افزایش پس‌لرزه‌های جنگ فراتر از قیمت بنزین و نفوذ به طیف وسیعی از کالاهای رایج و همچنین برخی خدمات، شتاب بیشتری بگیرد. حتی قبل از جنگ، تورم بالاتر از حد معمول بود و با افزایش قیمت کالاهای به دلیل تعرفه‌ها و همچنین تقاضای مصرف‌کننده همچنان قوی‌تر شد.

تایلر شپپر، دانشیار اقتصاد و تجزیسه و تحلیل داده‌ها در دانشگاه سنت توماس در سنت پاول، مینه‌سوتا، به سی‌ان‌ان گفت: «اثرات سریع و کند شوک قیمت نفت وجود دارد و برخی از این اثرات... هنوز وجود ندارند.» وی افزود: «خبر خوب این است که با شوکی مانند این، هیچ دلیلی برای گمانه‌زنی در مورد اینکه امر با باعث افزایش مجدد تورم می‌شود، وجود ندارد. خبر بد این است که مصرف‌کنندگان هنوز باید انتظار افزایش هزینه‌ها در ساید رسته‌ها را داشته باشند.»

معماری مالی پسا جنگ؛ خنثی‌سازی تحریم‌ها در بسترسویه‌های غیردلاری

داشته‌ایم؛ در حالی که این آبراه‌ها می‌توانند هوشمندانه‌ترین ابزار برای «تنظیم رفتار مالی» شرکای تجاری باشند. پیشنهاد مشخص، تعریف قاعده‌ای به نام «حق عبور ترجیحی» است.

تصور کنید به ناگهان تجاری کشورهای و شرکت‌هایی که می‌پذیرند هزینه انرژی، عوارض و خدمات بندری خود را از طریق «اتاق پایایی منطقه‌ای» و با ارزهای غیردلاری پرداخت کنند، امتیازات ویژه‌ای داده شود. این امتیازات می‌تواند شامل تخفیف در تعرفه‌های بندری، اولویت و کاهش زمان انتظار در لنکرگاه‌ها و خدمات پشتیبانی دریایی ارزان‌تر باشد.

با این ابتکار، یک بازی برد-برد خلق می‌شود. شرکای ما به دلیل کاهش هزینه‌های لجستیک، ترغیب می‌شوند وارد شبکه مالی غیردلاری شوند و با افزایش حجم تراکنش‌ها، این شبکه به بلوغ می‌رسد. در مقابل، شرکت‌ها یا کشورهایی که اصرار دارند در پایل تجاری غرب بازی کنند و از شبکه دلاری استفاده کنند، با تعرفه‌های عادی (و حتی تنبیهی) مواجه شده و قدرت رقابت خود را در بازار انرژی منطقه از دست می‌دهند. در مجموع اقتصاد ما نیازمند گذار از جایگاه یک بازیگر «واکنش‌گر» به یک بازیگر «قاعده‌گذار» است. گره‌زدن ثبات منطقه‌ای به تأسیس اتاق پایایی ارزی و استفاده هوشمندانه از اهرم‌های جغرافیایی برای ایجاد حق عبور ترجیحی، صرفاً یک ایده روی کاغذ نیست، بلکه نقشه راهی عملیاتی برای مصون‌سازی ساختاری اقتصاد است. تنها با چنین معماری نوینی است که می‌توان مطمئن شد دستاوردهای دوران گذار، به ثباتی پایدار، ضد تحریم و ثروت‌آفرین برای کشور تبدیل خواهد شد.



نیست؛ ما نیازمند تأسیس یک «اتاق پایایی منطقه‌ای» هستیم. در این پلتفرم چندجانبه، سبندی از ارزهای جایگزین (مانند یوان، روبل، ریال و ارز کشورهای همسایه) محاسبه قرار می‌گیرد. با استفاده از مکانیسم‌های هتد چندجانبه و ایجاد حساب‌های دفتری متقابل میان بانک‌های مرکزی منطقه، عملاً نیاز به انتقال فیزیکی یا تراکنش در شبکه دلاری به حداقل می‌رسد. وقتی جریان مالی شما در یک شبکه محلی و بسته تسویه شود، رصداً مسدودسازی آن توسط نهادهای تحریم‌کننده

را تغییر داد؛ به این معنا که پایان تنش، معادل آغاز یک نظم جدید مالی باشد که در آن، اعمال تحریم برای کشورهای متخاصم به لحاظ فنی غیرممکن و به لحاظ اقتصادی پرهزینه شود. گذار از شمار به نهادسازی؛ ابده اتاق پایایی منطقه‌ای برای تحقق چنین چشم‌اندازی، نیازمند یک پوست‌اندازی جدی در نحوه تسویه تجارت خارجی هستیم. پیشنهاد محوری در این زمینه، تأسیس یک سازوکار تسویه غیردلاری، به‌ویژه برای تجارت انرژی و خدمات ترانزیتی است. البته صرف تأکید بر پیمان‌های پولی دوجانبه کافی

نیست؛ ما نیازمند تأسیس یک «اتاق پایایی منطقه‌ای» هستیم. در این پلتفرم چندجانبه، سبندی از ارزهای جایگزین (مانند یوان، روبل، ریال و ارز کشورهای همسایه) محاسبه قرار می‌گیرد. با استفاده از مکانیسم‌های هتد چندجانبه و ایجاد حساب‌های دفتری متقابل میان بانک‌های مرکزی منطقه، عملاً نیاز به انتقال فیزیکی یا تراکنش در شبکه دلاری به حداقل می‌رسد. وقتی جریان مالی شما در یک شبکه محلی و بسته تسویه شود، رصداً مسدودسازی آن توسط نهادهای تحریم‌کننده

را تغییر داد؛ به این معنا که پایان تنش، معادل آغاز یک نظم جدید مالی باشد که در آن، اعمال تحریم برای کشورهای متخاصم به لحاظ فنی غیرممکن و به لحاظ اقتصادی پرهزینه شود. گذار از شمار به نهادسازی؛ ابده اتاق پایایی منطقه‌ای برای تحقق چنین چشم‌اندازی، نیازمند یک پوست‌اندازی جدی در نحوه تسویه تجارت خارجی هستیم. پیشنهاد محوری در این زمینه، تأسیس یک سازوکار تسویه غیردلاری، به‌ویژه برای تجارت انرژی و خدمات ترانزیتی است. البته صرف تأکید بر پیمان‌های پولی دوجانبه کافی

نیست؛ ما نیازمند تأسیس یک «اتاق پایایی منطقه‌ای» هستیم. در این پلتفرم چندجانبه، سبندی از ارزهای جایگزین (مانند یوان، روبل، ریال و ارز کشورهای همسایه) محاسبه قرار می‌گیرد. با استفاده از مکانیسم‌های هتد چندجانبه و ایجاد حساب‌های دفتری متقابل میان بانک‌های مرکزی منطقه، عملاً نیاز به انتقال فیزیکی یا تراکنش در شبکه دلاری به حداقل می‌رسد. وقتی جریان مالی شما در یک شبکه محلی و بسته تسویه شود، رصداً مسدودسازی آن توسط نهادهای تحریم‌کننده

مشکلات جدی تولید در مجتمع انرژی منطقه در نتیجه جنگ علیه ایران

حداقل ۸ تأسیسات انرژی در منطقه خلیج فارس در نتیجه جنگ علیه ایران با مشکلات جدی و طولانی مدت مواجه شده‌اند.

قیمت نفت پایین آمده و بیشترین کاهش هفتگی را از ۲۰۲۳ در آستانه آغاز گفت‌وگو بین ایران و آمریکا ثبت کرده است. قیمت معاملات آتی نفت به دنبال ادامه حملات و محدودیت جریان نفت از تنگه هرمز و همچنین نگرانی در مورد مختل شدن عرضه نفت عربستان، در حدود ۱۰ دلار در هر بشکه قرار داشت و قیمت‌ها در بازار نفتی به بالاترین رقم‌ها رسیده است. قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال امروز با ۲۲ سنت معادل ۰،۷۵ درصد کاهش به ۲۰ دلار و ۲۰ سنت رسید. نفت برنت ۱۲،۷ درصد یک یک هفته گذشته به دنبال موافقت ایران و آمریکا با آتش‌بس در روز سه‌شنبه کاهش قیمت داشته است. این شدیدترین کاهش قیمت هفتگی نفت برنت از ماه اوت ۲۰۲۲ بوده است. نفت وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا هم با دلار و ۳۰ سنت معادل ۱،۳۳ درصد کاهش ۶۴ دلار و ۵۷ سنت معامله می‌شود. نفت آمریکا ۱۳،۴ درصد یک یک هفته گذشته پایین آمده که بیشترین کاهش قیمت هفتگی از آوریل ۲۰۲۲ طی بحران کرونا بوده است. طی یادداشتی که ناتاشا کانوسپرست تحقیقات جهانی کالا در بانک سرمایه‌گذاری جی‌پی مورگان منتشر کرده، بیش از ۶۰ درصد از زیرساخت‌های انرژی در سراسر خلیج فارس مورد حمله‌های پهپادی و موشکی قرار گرفته‌اند. با وجود این که بیشترین حمله‌ها اختلال‌های طولانی مدت ایجاد نمی‌کنند، اما حداقل ۸ تأسیسات انرژی با مشکلات جدی و طولانی مدت مواجه شده‌اند. اداره اطلاعات انرژی آمریکا اعلام کرد تولید کنندگان خاورمیانه حدود ۷،۵ میلیون بشکه در روز از تولید نفت خام خود را در ماه مارس متوقف کردند و پیش‌بینی می‌شود این رقم در آوریل به ۹،۱ میلیون بشکه در روز برسد. تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند آسیب وارد شده به تولید نفت جهان در جنگ ایران بازار را در سال جاری میلادی با کمبود عرضه مواجه می‌کند. درحالی که قبلاً یک مازاد عرضه بزرگ پیش‌بینی می‌شد. طبق گفته تحلیلگران گامزبانک، مسئله اصلی برای بازار نفت انرژی‌گیری عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز است. تاکنون هیچ نشانه‌ای از این موضوع دیده نمی‌شود. اگر جریان نفت از خلیج فارس همچنان محدود بماند قیمت نفت باز هم افزایش خواهد یافت.



برندگان و بازندگان بازار نفت در خاورمیانه

گزارش

بسته شدن تنگه هرمز در پی تشدید درگیری‌ها میان ایران و غرب، بازار جهانی نفت را با شوکی بی‌سابقه مواجه کرده است.

بسته شدن تنگه هرمز در پی تشدید تنش‌ها میان ایران، آمریکا و اسرائیل، معادلات بازار جهانی انرژی را به طور چشمگیری تغییر داده و تأثیرات متفاوتی بر اقتصاد کشورهای نفتی خاورمیانه گذاشته است. این آبراه حیاتی که حدود یک پنجم از جریان جهانی نفت و گاز طبیعی مایع از آن عبور می‌کند، پس از حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به ایران در اوآخر فروری، عملاً از سوی تهران مسدود شد.

هرچند ایران بعداً اعلام کرد کشتی‌هایی که ارتباطی با آمریکا یا اسرائیل ندارند، می‌توانند از این مسیر عبور کنند اما اختلال در بازار انرژی همچنان ادامه دارد. این وضعیت باعث شد قیمت نفت برنت در ماه مارس با جهشی ۶۰ درصدی، رکوردی تاریخی را ثبت کند و بازار جهانی را با شوکی بی‌سابقه مواجه سازد. حتی حال که طرفین در آتش بس موقت به سر می‌برند، هنوز وضعیت مثل سابق نشده است.

در این میان، موقعیت جغرافیایی کشورهای نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان تأثیرپذیری آن‌ها از این بحران داشته است. کشورهایی مانند ایران، عمان و عربستان سعودی که به مسیرهای جایگزین صادراتی از جمله خطوط لوله و بنادر خارج از تنگه هرمز دسترسی دارند، توانسته‌اند از افزایش قیمت نفت سود ببرند. در مقابل، کشورهایی مانند عراق، کویت و قطر که وابستگی کامل به این مسیر دارند، با کاهش شدید صادرات و درآمد‌های نفتی مواجه شده‌اند.

بسته شدن تنگه هرمز؛ برندگان و بازندگان جدید بازار نفت در خاورمیانه

بر اساس تحلیل داده‌های صادراتی ماه مارس، درآمد نفتی عراق و کویت حدود ۷۵ درصد نسسبت به سال گذشته کاهش یافته است. در مقابل، ایران افزایش ۳۷ درصدی و عمان رشد ۲۶ درصدی درآمد را تجربه کرده‌اند. عربستان سعودی نیز با وجود کاهش حجم صادرات، به دلیل افزایش قیمت‌ها توانسته درآمد خود را ۴.۳ درصد افزایش دهد. فقط امارات متحده عربی با وجود برخورداری از مسیر جایگزین، کاهش جزئی ۲.۶ درصدی درآمد را ثبت کرده است.

افزایش قیمت نفت برای عربستان سعودی مزایای مالی قابل توجهی به همراه داشته است. این کشور از طریق شرکت نفتی دولتی آرامکو که بخش عمده آن در اختیار دولت است، درآمد بیشتری از محل مالیات و حق امتیاز کسب کرده است. این موضوع برای ریاض اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه در سال‌های اخیر هزینه‌های سنگینی برای اجرای برنامه‌های تنوع بخشی اقتصادی متحمل شده و با کسری بودجه مواجه بوده است.

یکی از عوامل کلیدی در کاهش اثرات بحران در عربستان، خط لوله شرق به غرب این کشور است که در دهه ۱۹۸۰ و در دوران جنگ ایران و عراق ساخته شد. این خط لوله با ظرفیت حدود ۷ میلیون بشکه در روز، نفت را از میداین شرقی به بندر ینبع در دریای سرخ منتقل می‌کند و امکان دور زدن تنگه هرمز را فراهم می‌سازد. با وجود کاهش ۲۶ درصدی صادرات نفت عربستان در ماه مارس، افزایش قیمت‌ها باعث شده ارزش صادرات این کشور نسبت به سال گذشته حدود ۵۵۸ میلیون دلار افزایش یابد. با این حال، حتی کشورهایی که از مسیرهای جایگزین

برخوردارند نیز کاملاً در امان نیستند. تحلیلگران هشدار می‌دهند که زیرساخت‌های انرژی عربستان و مسیرهای دریایی مرتبط با آن، به ویژه در دریای سرخ، همچنان در معرض تهدید حملات احتمالی از سوی ایران یا گروه‌های هم‌پیمان آن مانند حوثی‌های یمن قرار دارند.

در سوی دیگر، عراق بیشترین آسیب را از این بحران متحمل شده و درآمد نفتی آن با کاهش ۷۶ درصدی به حدود ۱.۷۳ میلیارد دلار رسیده است. کویت نیز با کاهش ۷۳ درصدی، به درآمدی حدود ۸۶۴ میلیون دلار سقوط کرده است. انتظار می‌رود این روند در ماه آوریل نیز تشدید شود، زیرا بخشی از صادرات ماه مارس مربوط به روزهای ابتدایی بحران بوده است.

آژانس بین‌المللی انرژی این رویداد را بزرگ‌ترین شوک عرضه انرژی در جهان توصیف کرده و اعلام کرده که بیش از ۱۲ میلیون بشکه در روز از تولید منطقه‌ای متوقف شده و حدود ۴۰ تاسیسات انرژی آسیب دیده‌اند.

این وضعیت نه فقط بازار انرژی، بلکه اقتصاد جهانی را نیز با تهدید جدی مواجه کرده است. در سطح سیاسی، تنش‌ها همچنان ادامه دارد. رئیس‌جمهور آمریکا تهدید کرده در صورت عدم دستیابی به توافق برای بازگشایی تنگه، اقدامات شدیدی علیه ایران انجام خواهد داد. با این حال، مقامات ایرانی تأکید کرده‌اند که حتی در قالب آتش بس موقت نیز حاضر به بازگشایی تنگه هرمز نیستند و فتنش‌سازهای خارجی را

نخواهند پذیرفت.

کارشناسان معتقدند کشورهای حوزه خلیج فارس در کوتاه‌مدت توان مقابله با این شوک را دارند و می‌توانند از ذخایر مالی خود استفاده کنند یا از طریق بازارهای مالی تأمین مالی انجام دهند. با این حال، در بلندمدت آینده این بحران همچنان نامشخص است.

در همین حال، برخی تحلیلگران بر این باورند که این بحران می‌تواند روند گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر را تسریع کند. در همین راستا، شرکت فرانسوی TotalEnergies و شرکت Masdar امارات اخیراً از یک سرمایه‌گذاری مشترک ۲.۲ میلیارد دلاری برای توسعه انرژی‌های پاک در کشورهای آسیایی خبر داده‌اند؛ اقدامی که می‌تواند نشانه‌ای از تغییر تدریجی وابستگی جهان به نفت باشد.

در مجموع، تداوم بسته ماندن تنگه هرمز نه فقط توازن درآمدی میان تولیدکنندگان نفت خاورمیانه را برهم زده، بلکه به عنوان عاملی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به آینده بازار جهانی انرژی ظاهر شده است؛ عاملی که در بحران‌های ژئوپلیتیکی، تسریع سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین صادراتی و حتی شتاب بخشی به گذار جهانی به انرژی‌های تجدیدپذیر شود؛ تحولی که پیامدهای آن فراتر از منطقه، کل اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

افزایش قیمت نفت برای عربستان سعودی مزایای مالی قابل توجهی به همراه داشته است. این کشور از طریق شرکت نفتی دولتی آرامکو که بخش عمده آن در اختیار دولت است، درآمد بیشتری از محل مالیات و حق امتیاز کسب کرده است

و تخلیه کالاهای اساسی اقدام می‌کنند و ۶۰ هزار تن کالا تنها از این گمرک ترخیص می‌شد. همچنین دستورالعمل ویژه‌ای برای ترخیص اضطراری ماشین‌آلات راهسازی و آمبولانس‌ها صادر شد تا این ارقام حیاتی هرچه سریع‌تر به دست مردم و خدمت‌رسانان برسد.

کارشناسان اقتصادی معتقدند موفقیت در تأمین کالاهای اساسی در شرایط جنگی، حاصل سه عامل کلیدی بوده است:

اول: پیش‌بینی و ذخیره‌سازی راهبردی کالاهای اساسی پیش از شروع جنگ که امکان تأمین حداقل نیاز سه‌ماهه کشور را فراهم کرد.

دوم: فعال‌سازی ستادهای بحران در وزارت اقتصاد و گمرکات و اتخاذ رویکرد «دولت جنگ‌زده» که در آن تمامی تشریفات زائد اداری کنار گذاشته شد و اولویت با سرعت در ترخیص قرار گرفت.

سهامانگی بین بخشی میان وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، ستاد تنظیم بازار و دستگاه‌های امنیتی که اجازه نداد حلقه‌های واسط و دلالان بتوانند از شرایط سوء استفاده کنند.

آنجی که گزارش را از حیث راهبردی حائز اهمیت می‌کند، قابل تعمیم بودن این تجربه به دوران پساجنگ است. رویکرد جدید وزارت اقتصاد در مدیریت گمرکی که منجر به ترخیص روزانه ۱۰۰ هزار تن کالا شد، نشان داد که ظرفیت‌های لجستیکی کشور بسیار فراتر از تصورات پیشین است. کارشناسان معتقدند اگر این رویکرد در شرایط عادی نیز تداوم یابد، می‌تواند تحولی در حوزه واردات و صادرات کشور ایجاد کرده باشد. به‌طور ۲۴ ساعته فعال شدند. در بندر امام خمینی، روزانه ۳ هزار کامیون نسبت به بارگیری



جلسات فوری با مدیران این بخش برگزار شده و ترخیص بی‌وقفه کالاهای اساسی و دارو‌ها را دنبال کرده‌ایم.»

عملیات ۲۴ ساعته در بندر استراتژیک

سه بندر شهید رجایی، امام خمینی (ره) و امیرآباد که مسئولیت ورود کالاهای اساسی را بر عهده دارند، به‌طور ۲۴ ساعته فعال شدند. در بندر امام خمینی، روزانه ۳ هزار کامیون نسبت به بارگیری

در اوج فشارهای تحریمی و روانی دشمن، روزانه تا ۱۰۰ هزار تن کالای اساسی و مورد نیاز مردم از گمرکات سراسر کشور ترخیص و روانه بازار شد.

این موضوع مرهون اتخاذ رویکردهای نوآورانه در مدیریت گمرکی از سوی وزارت اقتصاد بود. گمرک یکی از سازمان‌هایی است که خدمات ویژه ارائه می‌دهد و بر اساس آمار، گمرک هرگز تعطیل نمی‌شود و به‌طور ۲۴ ساعته به ارائه خدمات مشغول است. برای تسریع در ترخیص کالا،

حوزه کالاهای اساسی را باید یک پیروزی راهبردی تلقی کرد.

سرعتی بی‌سابقه ترخیص کالا؛ رکورد ۱۰۰ هزار تن در روز

بر اساس گزارش وزارت اقتصاد، با فعال‌سازی شرایط جنگی که معمولاً اولین و مؤثرترین راهبرد دشمن، هدف قرار دادن سفره مردم و ایجاد التهاب در بازار است، حفظ آرامش نسبی در

یکی از چلوه‌های مهم تاب‌آوری اقتصادی در بین جنگ تحمیلی ۴۰ روز تأمین کالاهای اساسی با توجه به رویکردهای جدید بود.

چهل روز جنگ تمام‌عیار نظامی اخیر که از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان طراحی و اجرا شد، یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های «تاب‌آوری اقتصادی» کشور، تأمین به‌موقع و بدون وقفه کالاهای اساسی و اقلام مرتبط با سفره مردم بوده است. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد در هیچ مقطعی از این نبرد اقتصادی ۴۰ روزه، کشور با کمبود کالای اساسی مواجه نشد؛ دستاوردی که در نوع خود کم‌سابقه و حاصل اجرای رویکرد جدید در مدیریت لجستیک و ترخیص کالا از گمرکات کشور بوده است.

ابعاد خسارات و فشارهای وارد شده بر کشور

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، جنگ ۴۰ روزه خسارات سنگینی به زیرساخت‌های غیرنظامی کشور وارد کرده است. ۱۲۵ هزار و ۶۲۰ واحد غیرنظامی در طول جنگ آسیب دیده‌اند که شامل حدود ۱۰۰ هزار واحد مسکونی، ۲۳ هزار و ۵۰۰ واحد تجاری، ۲۳۹ مرکز درمانی، ۲۲ دانشگاه و ۸۵۷ مدرسه می‌شود. همچنین به ۵ مرکز ذخیره سوخت خسارت وارد شده است.

با وجود این حجم تخریب‌ها، آنچه کشور را در برابر چالش جدی اقتصادی مصون داشت، مدیریت هوشمندانه در حوزه تأمین و توزیع کالاهای اساسی بود. کارشناسان معتقدند در شرایط جنگی که معمولاً اولین و مؤثرترین راهبرد دشمن، هدف قرار دادن سفره مردم و ایجاد التهاب در بازار است، حفظ آرامش نسبی در

اخبار



وفور کالاهای اساسی در قفسه فروشگاه‌ها جامعه را آرام کرد

وفور کالاهای اساسی در بازار و فروشگاه‌های زنجیره‌ای در میانه جنگ تحمیلی اخیر آرامش روانی در جامعه ایجاد کرد. آرمان خالقی درباره تمهیدات اتخاذ شده از سوی بخش خصوصی و دولت برای جلوگیری از کمبود کالا و اطمینان از رسیدن آن به اقصی نقاط کشور و لزوم تأمین پایدار بازار، به‌ویژه در شرایط جنگ تحمیلی سوم، گفت: ما سال گذشته تجربه «جنگ ۱۲ روزه» را داشتیم و از آنجا که واحدهای صنعتی ما سال‌هاست با شرایط تحریم دست و پنجه نرم می‌کنند، مدیران بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی همواره به این فکر بوده‌اند که مایحتاج خود را برای یک بازه دو تا سه‌ماهه در انبارها ذخیره کنند و برای بلندمدت تمهیدات لازم را ببندیشند، این آمادگی ضمنی باعث شد که در همان جنگ ۱۲ روزه نیز با مشکلی مواجه نشویم.

دبیر کل خانه صنعت و معدن ایران ادامه داد: بعد از آن تجربه، هوشیاری ما بیشتر شد؛ به این معنا که انبارها را به‌صورت متمرکز در یک نقطه قرار ندهیم و کالاها را در انبارهای مختلف توزیع کنیم، همچنین شرکت‌ها موظف شدند انبارهای خود را همواره مملو از مواد اولیه نگه دارند، در نتیجه، این آمادگی در طول سال گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافت.

وی با بیان اینکه برای ما بسیار حیاتی بود که تأمین مایحتاج و ارزاق مردم در هیچ شرایطی دچار خدشه نشود، گفت: این سطح از آمادگی باعث شد شرکت‌های تولیدی، هم در بخش مواد اولیه و هم در بخش محصولات نهایی، ذخایر کافی داشته باشند و این انباشتگی در شرکت‌های بخش و توزیع نیز به خوبی مشهود بود. خالقی افزود: نتیجه این تدابیر آن شد که وقتی «جنگ رمضان» یا همان جنگ تحمیلی سوم رخ داد، علیرغم اینکه تقاضا در شرایط جنگی به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد و مردم طبیعتاً نگران تأمین امنیت غذایی و بهداشتی خود هستند، سیستم پخش و انبارها توانست به‌سرعت به این تقاضا پاسخ دهد.

دبیر کل خانه صنعت و معدن ایران با بیان ما در هیچ کجا شاهد قفسه‌های خالی نبودیم، گفت: ما به زنجیره ارزش از تأمین مواد اولیه تا تولید، لجستیک، حمل‌ونقل و پخش به‌صورت یکپارچه نگاه کردیم و همه پای کار بودند؛ از کارگری که با وجود بیماری‌ها، با جان فشانی پای خط تولید ایستاد و تولید را تعطیل نکرد تا راننده شرکت پخش که کالا را بارگیری و توزیع کرد و ویزیتورهایی که سفارش‌ها را ثبت کردند، این تلاش‌های دسته‌جمعی باعث شد کالا به‌موقع به فروشگاه‌های زنجیره‌ای و واحدهای صنفی برسد و فروشگاه‌ها و مغازه‌ها حتی در زمان بمباران نیز باز بودند، علیرغم اینکه برخی از این واحدها مورد اصابت قرار گرفتند و در این مسیر مجروح یا شهید دادیم، اما همه ایستادگی کردند، چراکه یک باور عمومی وجود داشت که مردم نباید حس کمبود داشته باشند.

خالقی با اشاره به آرامش روانی ایجاد شده ناشی از وفور کالاهای اساسی در بازار و فروشگاه‌های زنجیره‌ای، ادامه داد: اتفاقی که افتاد این بود که مردم پس از چند روز احساس کردند نیازشان تأمین است؛ هم در خانه‌ها کالا در دسترس بود و هم در فروشگاه‌ها، هرچه خرید انجام می‌شد، بلافاصله جایگزین می‌شد. مردم هیچ کمبودی در زمینه گوشت، مرغ، روغن، نان، حبوبات و سایر اقلام احساس نکردند، قفسه‌ها مملو از کالا بود، حتی شوینده‌ها که همیشه مورد توجه مردم هستند، در تمام فروشگاه‌ها به وفور یافت می‌شد.

به گفته دبیر کل خانه صنعت، معدن ایران: این حس امنیت روانی به مردم منتقل شد که پشتوانه تأمین کالاهای کشور فعال است و به درستی عمل می‌کند و این موضوع باعث شد نگرانی‌ها بابت کمبود کالا کاهش یابد و مردم بیشتر بر حفظ سلامت و ایمنی خود در برابر حملات هوایی تمرکز کنند.

بحران بی‌سابقه گردشگری در امارات

دربی جنگ خاورمیانه، صنعت هتلداری امارات متحده عربی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه است.

دربی جنگ خاورمیانه، صنعت هتلداری امارات متحده عربی با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، دولت این کشور به دلیل کاهش چشمگیر تعداد گردشگران و فشارهای اقتصادی ناشی از آن، اجازه تعطیلی مراکز اقامتی را صادر نکرده است. در پی این تصمیم، هتل‌ها ناچار به ارائه تخفیف‌های گسترده شده‌اند؛ تخفیف‌هایی که در برخی موارد از مرز ۹۰ درصد فراتر رفته است.

طبق این گزارش‌ها، قیمت اقامت در اتاق‌های دونفره هتل‌های لوکس دبی - از جمله یک مجموعه با چشم‌انداز برج خلیفه - به حدود ۲۶ یورو برای هر شب کاهش یافته است. برخی منابع خبری حتی از کاهش قیمت هتل‌های سه ستاره در برخی شب‌ها تا حدود یک دلار خبر داده‌اند.

بر اساس این گزار، بخش گردشگری امارات به‌ویژه املاک و مستغلات دبی بیشترین ضرر را در سایه پیامدهای جنگ در منطقه متحمل شده است.

گردشگری در این کشور در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۳٪ از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داد، به‌طوری‌که تقریباً ۲۶۷ میلیارد درهم (۷۲ میلیارد دلار) به اقتصاد ملی این کشور کمک و از حدود ۹۲۵ هزار شغل حمایت کرد.

این در حالی است که دبی در همان سال پذیرای بیش از ۱۹ میلیون گردشگر بین‌المللی بود که حداقل یک شب در آنجا اقامت داشتند و میانگین اشغال هتل‌ها در بیش از ۱۵۰ هزار اتاق، حدود ۸۰٪ بود.

کند. سازمان بورس باید از هم‌اکنون برای این سناریو راهکارهای عملیاتی مشخصی تدارک ببیند.

براساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده، راهکارهای سیاستی ذیل به‌منظور بازگشایی هوشمند بازار سرمایه در این شرایط فعلی پیشنهاد می‌شود.

شفافیت اجباری و تکنیک شرکت‌ها بر اساس میزان آسیب

مهم‌ترین پیش‌شرط بازگشایی بازار، شفافیت کامل اطلاعاتی است. سازمان بورس باید همه شرکت‌های بورسی و فرابورسی را ملزم کند اثر مستقیم و غیرمستقیم جنگ بر عملیات خود را به‌صورت شفاف افشا کنند. این افشا باید شامل جزئیات دقیق از وضعیت تولید، فروش، موجودی انبار، وضعیت صادرات، اختلال در زنجیره تأمین و تغییرات احتمالی در بودجه سالانه باشد. شرکت‌های آسیب‌دیده نیز باید گزارش دقیق‌تری از میزان خسارت، برآورد هزینه بازسازی، مدت‌زمان مورد نیاز برای بازگشت به تولید عادی و سناریوهای احتمالی در صورت طولانی شدن اختلالات ارائه دهند. براساس این اطلاعات، شرکت‌ها در سه دسته ریسک دسته‌بندی می‌شوند که عبارت از شرکت‌های بدون آسیب مستقیم، شرکت‌های با آسیب محدود و شرکت‌های با توقف کامل تولید هستند.

بازگشایی مرحله‌ای و هوشمند

بازگشایی یک‌باره کل بازار سرمایه خطای راهبردی فاحشی است. بازار امروز چندلایه شده است: لایه نخست شامل ابزارهای کم‌ریسک و بادرامد ثابت که هم‌اکنون قابل معامله هستند؛ لایه دوم شامل شرکت‌هایی که ریسک آن‌ها بیشتر مالی و انتظاری است و لایه سوم، صنایع پیشران اما در معرض ریسک مستقیم زیرساختی مانند فولاد، پتروشیمی و پالایش. بازگشایی این سه لایه با یک منطق واحد، به معنای آزادسازی یک شوک قیمتی کنترل‌نشده خواهد بود. مسیر بهینه، آغاز معاملات از لایه دوم با دامنه نوسان محدود و سپس در گام بعدی، بازگشایی مشروط لایه سوم با مکانیسم‌های حمایتی مشخص است.

تقویت صندوق‌های تثبیت و توسعه بازار با اعلام شفاف منابع

تجربه کشورهای مختلف نشان داده حضور فعال خریداران حمایتی در روزهای ابتدایی بازگشایی، نقشی تعیین‌کننده در جلوگیری از سقوط آزاد بازار دارد. سازمان بورس باید از پیش حجم منابعی را که صندوق تثبیت بازار سرمایه، صندوق توسعه بازار و سایر نهاد‌های مالی دولتی برای حمایت از بازار در نظر گرفته‌اند به‌صورت شفاف اعلام کند. این شفافیت، به تنهایی اثر انرونی قابل توجهی بر کاهش رفتارهای هیجانی و بازگشت تدریجی اعتماد سرمایه‌گذاران خواهد داشت.

تضمین پایداری زیرساخت‌های اطلاعاتی بازار

دسترسی پایدار و ۲۴ ساعته به سامانه‌هایی نظیر کدال، شرط لازم برای کاهش شایعات و جلوگیری از شکل‌گیری فضای مبهم در میان سرمایه‌گذاران است. در شرایط بحرانی که هر شایعه می‌تواند موج جدیدی از فروش هیجانی ایجاد کند، اطمینان از در دسترس بودن اطلاعات رسمی و به‌روز، خط مقدم دفاع از اعتماد عمومی محسوب می‌شود.

در پایان باید اظهار داشت، سرنوشت بازار در روزهای پس از بحران، نه در میدان نبرد، بلکه در اتاق‌های تصمیم‌گیری و کیفیت طراحی پیش از بازگشایی رقم می‌خورد. بدون اجرایی کردن پیشنهادات سیاستی فوق، نه فقط نمی‌توان از بازگشایی موفق سخن گفت، بلکه ممکن است خود بازگشایی به‌عملی برای تشدید بحران و تخریب بیشتر اعتماد سرمایه‌گذاران تبدیل شود.

مهم‌ترین پیش شرط

بازگشایی بازار، شفافیت

کامل اطلاعاتی است.

سازمان بورس باید همه

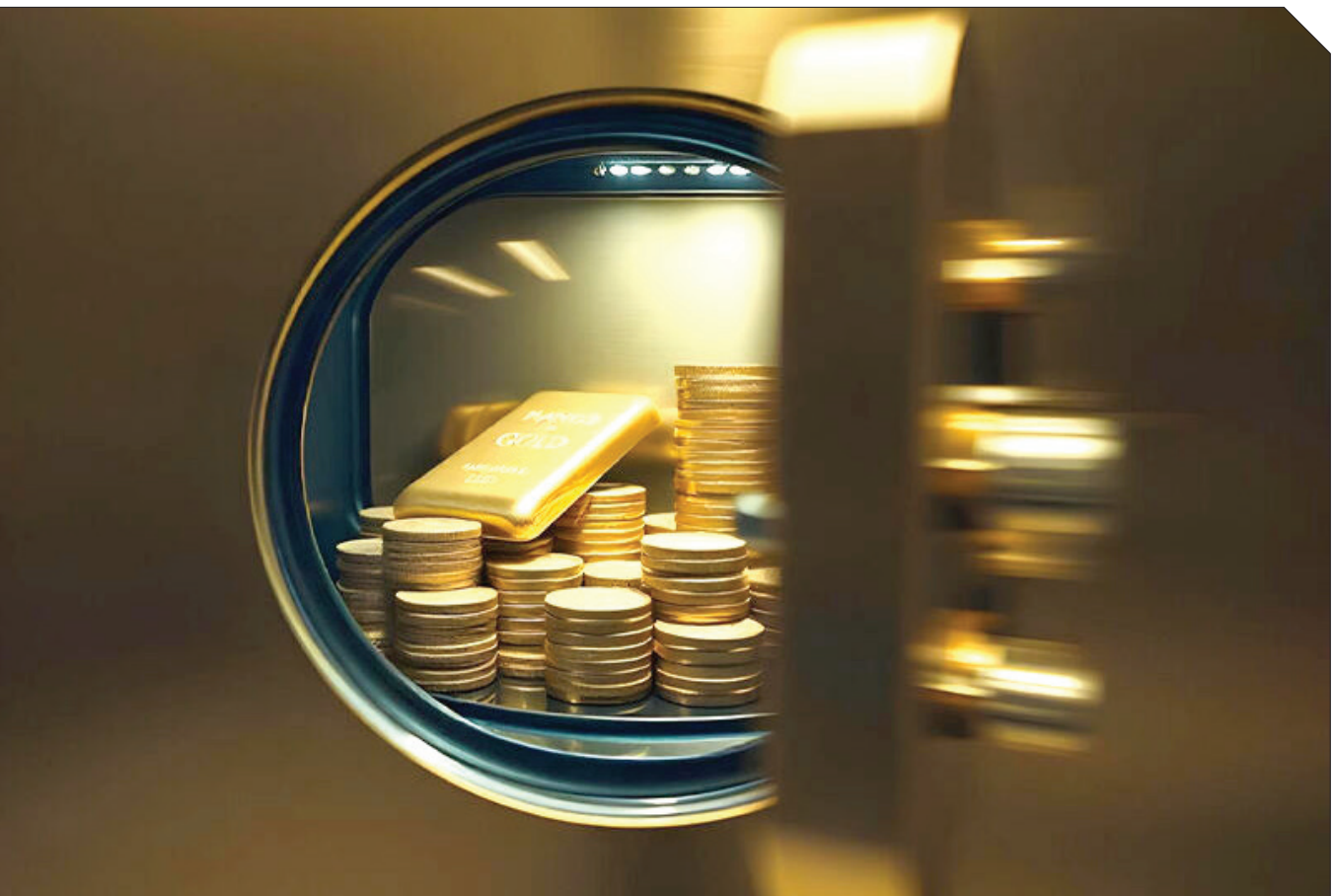
شرکت‌های بورسی و

فرابورسی را ملزم کند اثر

مستقیم و غیرمستقیم

جنگ بر عملیات خود را به

صورت شفاف افشا کنند



ملاحظات فنی و سیاستی بازگشایی بورس تهران پس از آتش بس

گزارش

حجت بین‌آبادی

پژوهشگر حوزه بودجه و مالی

بازگشایی بازار سرمایه پس از توقف ناشی از تنش‌های نظامی، نه یک بازگشت عادی بلکه لحظه‌ای تعیین‌کننده برای آینده اقتصاد است؛ جایی که نحوه مدیریت شوک انباشته‌شده، می‌تواند مسیر بازار را از یک اصلاح کنترل‌شده به یک بحران عمیق تغییر دهد.

با اعزام تیم مذاکره‌کننده ایرانی و آمریکایی به اسلام‌آباد، چشم‌انداز پایان تنش‌های نظامی قوت گرفته است؛ اما پایان جنگ فعلی، پایان بحران بازار سرمایه نیست، بلکه آغاز فصلی دشوار در مدیریت آن است. تجربه کشورهای مختلف در سه دهه اخیر نشان می‌دهد نحوه بازگشایی بازار پس از بحران‌های نظامی، تعیین‌کننده مسیر میان‌مدت و بلندمدت آن است.
روسیه در سال ۲۰۲۲، عربستان سعودی در ۲۰۱۹ و رژیم صهیونیستی در ۲۰۲۳، هریک مسیر متفاوتی را طی کردند. آنچه این تجارب را از یک‌دیگر متمایز کرد، نه شدت بحران اولیه، بلکه کیفیت طراحی پیش از بازگشایی بود.

درس‌هایی از بازارهای جهانی در مواجهه با بحران

بورس مسکو در ۲۵ فوریه ۲۰۲۲ و یک روز پس از آغاز جنگ با اوکراین، فعالیت خود را به‌طور کامل متوقف کرد و این تعطیلی نزدیک به یک‌ماه به طول انجامید. هدف اصلی کاهش فشار فروش ناشی از ترس عمومی، جلوگیری از تضعیف بیشتر واحد پول ملی و ایجاد فرصت برای سازمان‌دهی پاسخ‌های مالی و پشتیبانی از بازارها بود. دولت روسیه هم‌زمان با تعطیلی، بسته‌ای از سیاست‌های مکمل از جمله افزایش شدید نرخ بهره بانکی، اعمال

محدودیت‌های ارزی و کنترل جریان سرمایه را اجرایی کرد؛ اما نتیجه نهایی آن گونه که برخی تحلیلگران تصور می‌کردند، یک تجربه موفق تمام‌عیار نبود؛ سقوط ۴۰ درصدی شاخص بورس مسکو در عرض یک روز پس از بازگشایی، نشان داد حتی با وجود ماه‌ها تعطیلی و تزریق منابع گسترده، نمی‌توان شوک انباشته‌شده در انتظار سرمایه‌گذاران را به‌طور کامل خنثی کرد. آنچه روسیه را از سقوط عمیق‌تر نجات داد، تزریق حدود ۱۰ میلیارد دلاری از صندوق ثروت ملی و ممنوعیت موقت فروش سهام توسط سرمایه‌گذاران خارجی بود.

در سوی دیگر میدان، بورس تل‌آویو مسیری کاملاً متفاوت اما پرماجرار تجربه کرد. این بازار فقط چهار روز پس از آغاز جنگ ۱۳ روزه مجبور به تعطیلی کامل شد و با بازگشایی پس از آن، شاخص اصلی با سقوط آزاد ۹ درصدی مواجه شد. شرکت‌های فناوری که سال‌ها به‌عنوان تاج افتخار اقتصاد اسرائیل معرفی می‌شدند، بیشترین ریزش را متحمل شدند و فرار وحشت‌زده سرمایه‌گذاران خارجی، فشار مضاعفی بر بازار وارد کرد. درس روشن این تجربه آن است که حتی بازارهایی با عمق بالا و زیرساخت‌های پیشرفته، در برابر شوک ناگهانی پایان جنگ آسیب‌پذیر هستند. اما در میان این تجارب، یک نمونه موفق نیز وجود دارد: بورس عربستان سعودی در پی حمله پهپادی به تأسیسات نفتی آرامکو در سپتامبر ۲۰۱۹، با وجود سقوط ۲.۳ درصدی در نخستین روز بازگشایی، به سرعت مسیر تعادل را پدیدآورد. رمز موفقیت این بازار، شفافیت اطلاعاتی پیش از بازگشایی و حضور فعال صندوق‌های حمایتی بود. سرمایه‌گذاران سعودی از پیش می‌دانستند کدام دارایی‌ها مستقیماً آسیب دیده‌اند و برنامه بازگشت به تولید عادی چیست. این سطح از شفافیت، از تبدیل ترس به وحشت جلوگیری کرد.

شرکت‌های آسیب‌دیده: خط مقدم بحران بازار

در شرایط کنونی آنچه بازگشایی بازار سرمایه ایران را از

کسری ۷۵۰ هزار بشکه‌ای بازار نفت به واسطه حمله به ایران

به واسطه تجاوز نظامی آمریکا به ایران تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند جهان درگیر کسری ۷۵۰ هزار بشکه‌ای نفت شود. تحلیلگران بین‌المللی انرژی هشدار می‌دهند

که جنگ در ایران و متعاقب آن اختلال در ترانزیت تنگه هرمز، پیش‌بینی‌ها از مزاد عرضه نفت در سال جاری را کاملاً برعکس کرده و بازار را به سمت کسری عرضه سوق خواهد داد. بر اساس نظرسنجی رویترز از ۸ تحلیلگر برجسته، انتظار می‌رود تقاضای نفت در سال ۲۰۲۶ به‌طور متوسط ۷۵۰ هزار بشکه در روز از عرضه پیشی بگیرد. این در حالی است که پیش‌بینی‌ها در سپتامبر گذشته حاکی از مزاد عرضه ۱.۶۳ میلیون بشکه‌ای برای امسال بود.

شدت کسری در بهار ۲۰۲۶

شدیدترین کسری عرضه در سه‌ماهه دوم سال (بهار ۲۰۲۶) رخ دهد و بازار بسا کمبود روزانه حدود ۳ میلیون بشکه نفت مواجه شود. هرچند انتظار می‌رود اوضاع در سه‌ماهه چهارم بهبود یابد و مجدداً ۱.۴ میلیون بشکه در روز مزاد عرضه ثبت شود.

آسیب‌های گسترده به زیرساخت

درگیری‌هایی که از ۲۸ فوریه با تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران آغاز شد، عملاً جریان نفت از تنگه هرمز را متوقف کرده است. این تنگه، گذرگاه حیاتی برای حدود یک‌پنجم مصرف جهانی نفت محسوب می‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) تخمین می‌زند جنگ تا پایان مارس، عرضه نفت را حدود ۱۱ میلیون بشکه در روز کاهش داده است. بانک ای‌اند‌ز (ANZ) نیز حجم نفت حذف‌شده از بازار را حدود ۹ میلیون بشکه در روز برآورد می‌کند. به گفته کارشناسان، میانگین کاهش تولید در کل سال به ۲.۱۳ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

توقف کشتی‌ها و عوارض ایران

اگرچه آتش‌بس اعلام شده، اما جریان ترانزیت هنوز به حالت عادی بازنگشته است. ویکاس دودئی، استراتژیست

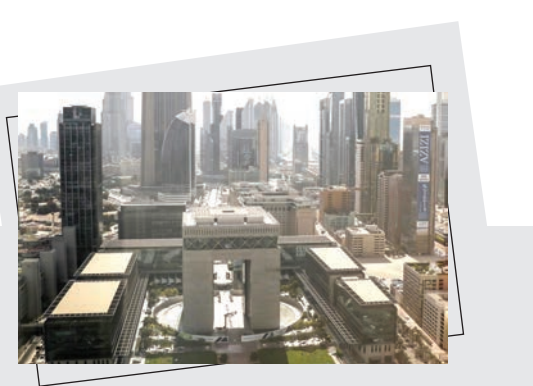


انرژی در گروه مکواری، می‌گوید حدود ۱۳۶ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی به دلیل درگیری در خلیج فارس معطل مانده و پاکستانی این حجم انباشته‌زمان بر خواهد بود. معامله‌گران گزارش می‌دهند که هنوز ناشانه‌ای از ازسرقیری پایدار و محموله‌ها دیده نمی‌شود. همچنین نگرانی‌هایی درباره برنامه ایران برای دریافت عوارض از آسیب‌های عبوری وجود دارد که می‌تواند مسائل بیمه و نقض تحریم‌ها را تشدید کند.

جهش ۳۰ درصدی پیش‌بینی قیمت نفت

این شوک عرضه باعث شده تحلیلگران پیش‌بینی خود از قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۶ را حدود ۳۰ درصد افزایش

اخبار



جنگ آمریکا علیه ایران قیمت مسکن در دنیا را هم افزایش داد

نشال اینترست در گزارشی به افزایش قیمت مسکن در جهان به دلیل حمله نظامی آمریکا به ایران اشاره کرد. بسته شدن عملی تنگه هرمز، زنجیره تأمین ساخت‌وساز در سراسر جهان را مختل کرده و قیمت مسکن را در بسیاری از کشورها به طور مستقیم و غیرمستقیم افزایش داده است.

تنگه هرمز که روزانه حدود ۲۰ درصد نفت مصرفی جهان از آن عبور می‌کند، عملاً ناامن شده و کشتی‌های حامل مصالح ساختمانی مجبور به تغییر مسیر به دماغه امید نیک (در آفریقای جنوبی) شده‌اند. این تغییر مسیر، بین ۱۰ تا ۲۰ روز به زمان حمل اضافه کرده و هزینه هر کانتنینر را بین ۱۸۰۰ تا ۴۲۰۰ دلار افزایش داده است. همچنین شرکت‌های کشتیرانی حق بیمه‌های جنگی تا ۱۰ درصد ارزش کشتی وضع کرده‌اند.

بازگشت به شرایط قبل از جنگ زمان می‌برد

حتی اگر درگیری‌ها فردا متوقف شود، بازگشت به شرایط عادی ماه‌ها طول می‌کشد. تخلیه صف تانکرها ۲ تا ۸ هفته زمان نیاز دارد و هزینه‌های بیمه و قراردادهای حمل‌ونقل حداقل برای ۱ تا ۳ ماه در سطح بالایی باقی می‌ماند.

تاثیر جنگ بر قیمت مصالح و انرژی

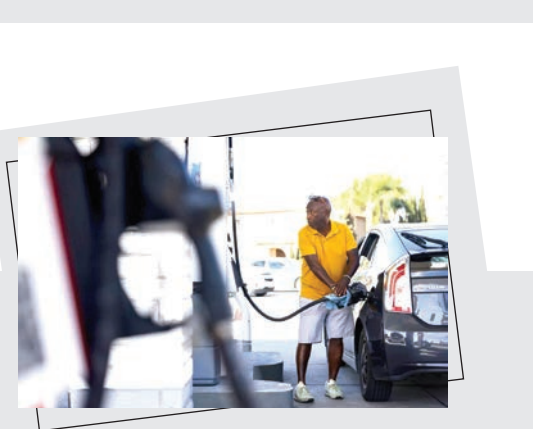
بر اساس داده‌های منتشرشده، قیمت نفت برنت باافاصله پس از آغاز درگیری به بالای ۱۱۶ دلار در هر بشکه جهش کرد. این افزایش قیمت حامل‌های انرژی، هزینه تولید مصالح انرژی‌بر مانند سیمان، فولاد و آلومینیوم را به شدت بالا برده است. به طوری که قیمت فولاد حدود ۲۰ درصد و آلومینیوم تا سقف بیش از ۴۰۰۰ دلار در هر تن گران شده است.

تاثیر بر نرخ بهره و وام مسکن

افزایش تورم ناشی از گرانی انرژی، بانک‌های مرکزی را در تنگنا قرار داده است. در آمریکا، میانگین نرخ وام مسکن ۳۰ ساله ثابت دوباره به بالای ۶.۵ درصد رسیده و قدرت خرید خریداران را کاهش داده است. در بریتانیا نیز بیش از ۱۷۰۰ محصول وام مسکن از بازار جمع‌آوری شده است.

آسیب‌پذیرترین کشورها از جنگ

بر اساس تحلیل مؤسسه کوشمن و ویکفیلد، کشورهای واردکننده انرژی مانند بریتانیا (که ۶۰ درصد نفت و ۶۰ درصد گاز خود را وارد می‌کند) و هند (بیش از ۹۵ درصد قیر و آلومینیوم از خلیج فارس) بیشترین آسیب را می‌بینند. قیمت تمام‌شده ساخت آپارتمان‌های لوکس در بمبئی حدود ۵ روهپه در هر فوت مربع افزایش یافته و قیمت سنگ مرمر وارداتی تا ۱۵۰ روهپه در هر فوت مربع گران شده است.



بازگشت قیمت انرژی به سطح قبل جنگ ماه‌ها زمان می‌برد

با وجود آتش‌بس در خلیج فارس بازگشت قیمت انرژی به سطح عادی، ماه‌ها زمان خواهد برد.

به گزارش الجزیره؛ با وجود اعلام آتش‌بس در منطقه، تحلیلگران بین‌المللی هشدار می‌دهند که بازگشت قیمت انرژی به سطح عادی، ماه‌ها زمان خواهد برد. اختلال گسترده در عبور از تنگه هرمز، آسیب جدی به زیرساخت‌های نفتی و گازی و توقف تولید در برخی کشورها، احیای زنجیره تأمین را دشوار کرده است.

بزرگ‌ترین اختلال انرژی در طول تاریخ

راگفورد ویتس، استاد مطالعات دریایی دانشگاه تاقس در گفت‌وگو با الجزیره وضعیت فعلی را بزرگ‌ترین اختلال در تاریخ بازارهای جهانی نفت توصیف کرد. به گفته وی، پیش از درگیری روزانه ۱۲۰ تا ۱۴۰ کشتی از تنگه هرمز عبور می‌کرد، اما در اوج بحران این تعداد به تنها پنج فروند در روز کاهش یافت. ویتس تأکید کرد که بازگشت به حالت عادی نیازمند همکاری نه فقط قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، چین و روسیه، بلکه کشورهای منطقه از جمله امارات، عربستان، هند و پاکستان است. اوشا هیلی، استاد دانشگاه ایالتی ویجیتا نیز گفت که نشانه‌های تنش در تنگه هرمز تنها چند ساعت پس از اعلام آتش‌بس دیده شده است. به گفته وی، کشورهایی مانند عراق به دلیل محدودیت ظرفیت ذخیره‌سازی، تولید را متوقف کرده‌اند و بازگشت به سطح تولید پیشین هفته‌ها تا ماه‌ها طول می‌کشد.

احیای آلان می ۶ ماه زمان می‌برد

هیلی افزود: احیای بازار آلان جی به دلیل آسیب به زیرساخت‌ها ماه‌ها زمان می‌برد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، سه تا شش ماه طول می‌کشد تا شرایط به حالت عادی بازگردد. حتی با ازسرقیری عبور کشتی‌ها، شرکت‌های بیمه برای ارائه پوشش به نفتکش‌ها تردید خواهند داشت، مگر اینکه ثبات کامل در منطقه برقرار شود. همچنین بازگشت بشکه‌های ذخیره‌شده به مدار عرضه، نیازمند بازگشایی مسیرهای بانکی و اعتباری میان بانک‌های مرکزی است که طی درگیری قطع شده بود. تحلیلگران معتقدند بازار انرژی وارد فاز انتظار طولانی شده است؛ فازی که در آن حتی خبر آتش‌بس نیز نمی‌تواند قیمت‌ها را سریعاً به سطح پیش از بحران بازگرداند و مصرف‌کنندگان در سراسر جهان باید خود را برای ماه‌ها پرداخت هزینه‌های بالاتر انرژی آماده کنند.